

ستاره بود

بهناز شیربانی؛ صحبت‌کردن دربارهٔ مرد «دوهرارچهره» تلویزیون چندان ساده نیست. شاید نیازمند فلاش‌بک باشد به سال‌ها قبل، زمانی که «پرواز۷۲» و بعدتر از آن «ساعت خوش» و «جنگ ۷۷» مخاطبان تلویزیون را با طنزی آشنا کرد که توانست مه‌ران مدیری را سالیان سال مرد اول طنز تلویزیون ایران معرفی کند. مدیری که پیش از فعالیت در تلویزیون، در تئاتر تجربه اندوخته بود، از این محبوبیت نهایت استفاده را برد و هر بار مخاطبانش را غافلگیر کرد. مجموعه تلویزیونی «پاورچین»، «جایزه بزرگ» و چند سریال بعدترش، به گمان بسیاری، اوج دوران کاری مدیری بود و دلایل متعددی برای این موفقیت ذکر می‌شود که اصلی‌ترین آنها فیلم‌نامه متفاوت آثارش بود. آن زمان هنوز از جدایی پیمان قاسم‌خانی و مدیری خبری نبود و برای بسیاری حضور این دو کنار هم و البته تجربه‌های موفقشان جذاب بود. هرچند این موفقیت در چند مجموعه ادامه‌دار شد، اما مدیری یکی از ارکان اصلی موفقیت مجموعه‌هایش را از دست داد و دیگر در عنوان سریال‌های او از نویسنده موفق سریال‌هایش خبری نبود. ناگهان همه‌چیز برای مدیری تغییر کرد، مرد پرکار تلویزیون ترجیح داد مدیوم دیگری را تجربه کند و تلویزیون را ترک کرد. ظاهراً اختلافش با تلویزیون بر سر آگهی‌های سریال «قهوه تلخ» موجب مهاجرت او به شبکه نمایش خانگی شد. شبکه نمایش خانگی نوپا در ابتدای حیات هنری خود میزبان مردی بود که قصد داشت تجربه طنز دیگری را به مخاطبانش عرضه کند. «قهوه تلخ» مدیری و گروهش حسابی سروصدا کرد و توانست توجه بسیاری را به مدیوم شبکه نمایش خانگی جلب کند. اما مشکلات جاری در این مدیوم نوپا و البته اختلافی که میان مدیری و تهیه‌کنندگاناش ایجاد شد، حاشیه‌هایی برای موفقیت‌های سریال مدیری رقم زد.

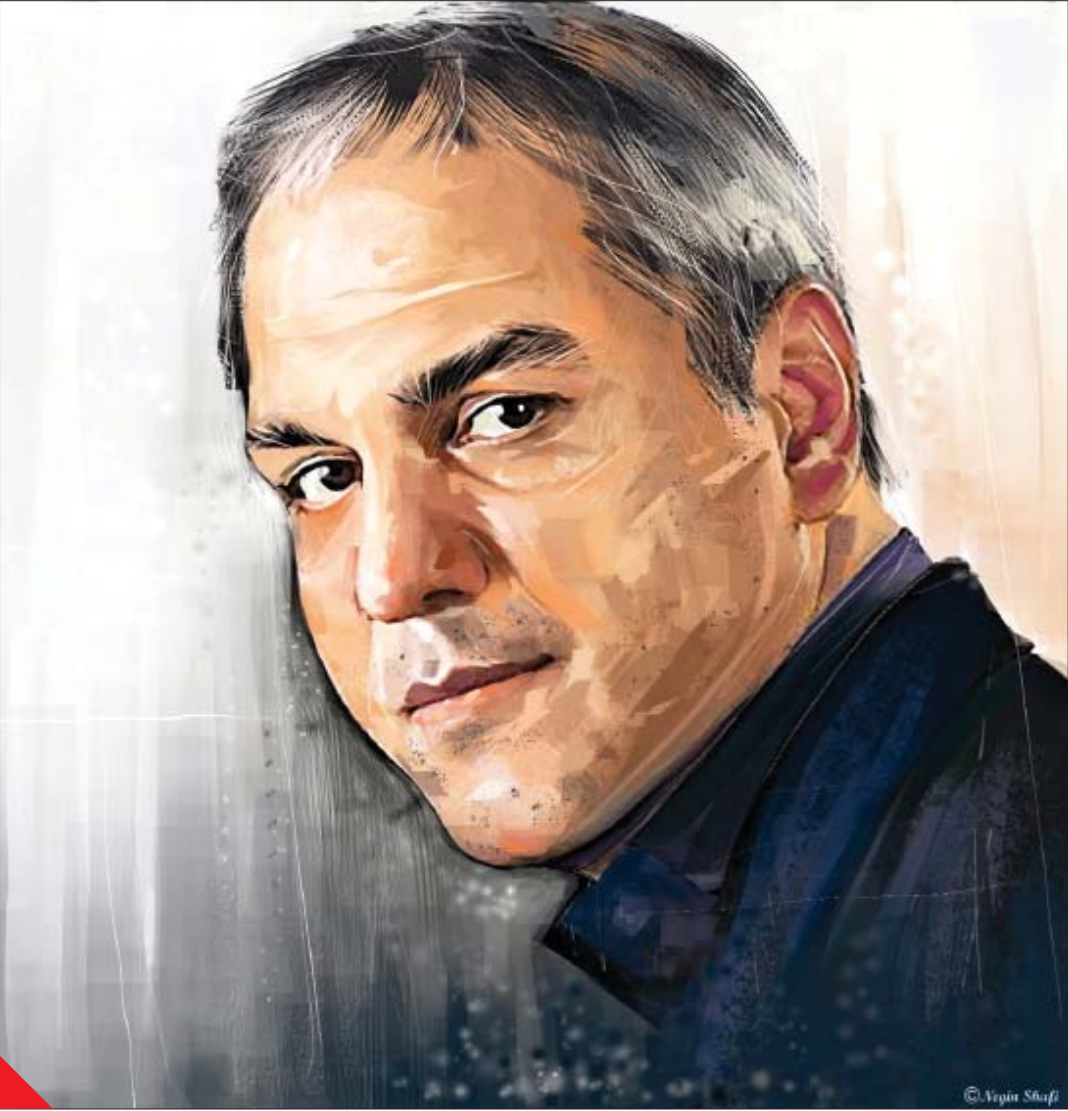
مدیری پس از«قهوه تلخ» و تجربه چند سریال دیگر از جمله «ویلای من»، تصمیم گرفت به دوران آیتم‌سازی‌اش بازگردد و این‌بار، به جای یک سریال دنباله‌دار، با آیتم‌های کوتاه و البته در هر قسمت با یک موضوع مشخص، مخاطبانش را سرگرم کند. «شوخی کردم» در این شرایط تولید شد و مدیری تصمیم گرفت بسیاری را بازگردانی را که سال‌ها از آنها در سریال‌هایش خبری نبود، دور هم جمع کند. هرچند در این شرایط مدیری بازهم توسط مخاطبانش دیده می‌شد، اما قطعاً برای او کافی نبود. یکپارهدیدن تصویر او در ویژه‌برنامه تحویل سال شبکه سه و خبر حضورش در تلویزیون، همه معادلات را برهم زد. مدیری سال‌های درخشانی را در تلویزیون از دست داد و باید قاطرتر به این عرصه برمی‌گشت. «درحاشیه» سریالی بود که او بعد از سال‌ها دوری از تلویزیون، راهی آتن کرد. دست‌گذاشتن روی یکی از موضوعات اجتماعی و ترسیم بیمارستانی با شکل و شمایلی که مدیری مدنظر داشت، باعث شد در نخستین ماه‌های بازگشتش به تلویزیون، با اتهام‌ها و حواشی متعددی از جانب جامعه پزشکی ایران روبه‌رو شود. علی‌اصغر پورمحمدی که در سال‌های اوج

اگر همین الان بخواهیم آماری از محبوب‌ترین ایرانیان مقیم کشور در همه‌عرصه‌های فرهنگی و هنری و ورزشی و حتی سیاسی کلچین کنیم، به گمانه در فهرست کمتر از انگشتان یک دست‌مان، حتماً به نام مه‌ران مدیری می‌رسیم. مه‌ران یک پدیده است. از همان اول هم بود؛ یک سوپراستار به معنای واقعی کلمه گرچه اینجا همیشه معنای کلمات و اطلاق معانی لوٲ می‌شوند، متأسفانه. محبوب، دوست‌داشتنی، متفاوت و خلاق که از اعماق مردمی‌ترین طبقات اجتماعی نسل خود برکشید و به اوج رفت. هیچ صله‌ای نگرفت و دست به زانو زد و متکی بر هوش کم‌مانند فردی و پسند هواداران پرشمارش، بر صدر نشست. غیرقابل انکار و حذف‌ناشدنی... حتی اگر طنزهایش، گاه با ب سلیقه‌ات نباشند. وقتی برای فیلم سینمایی «پل چوبی» با وسواس دنبال شخصیت دکتر صبحی می‌گشتم، به مه‌ران رسیدم. به دلایل شخصی می‌دانستم فقط کار اوست. گفتند خیلی خوش‌اخلاق نیست و در سال ده‌ها سناریو کارگردانان بنام و پیشنهادهای پروپیمان تهیه‌کنندگان سینمای پر مخاطب را رد می‌کند. راستش خیلی هم امید ی نبود. نقش کوچک بود و او هم سر سریال «قهوه تلخ» بسیار پرشعله می‌نمود. درضمن تنها سابقه آشنایی دوری هم که از من داشتم، قابل یادآوری نبود یادداشت تدی که

حوالی سال‌های ۷۵ و ۷۶ بود. مدتی از تعطیلی «ساعت خوش» می‌گذشت. ساکن گرگان بودیم. خبر رسید که نمایشی با بازی تعدادی از بازیگران ساعت خوش به مدت سه شب و هرهشب دو نوبت در تالار فخرالدین اسعدگرگانی روی صحنه خواهد رفت. طبیعتاً راه تهیه بلیت در آن دور، ایستادن در صف بود. ایستادیم و بلیت شب اول را گرفتیم. بعدازظهر همان روز، دو روز پیش از آغاز اجرا، در ناهارخوران معروف گرگان با خانواده قدم می‌زدیم که دیدیم سرها برمی‌گردند و با تعجب و اشتیاق نقطه‌ای را می‌نگرند. از هتل جهانگردی گرگان، رضا عطاران، سعید آقاخانی و حمید لولایی (به‌همراه وحید فارسی که هرازگاهی در برنامه‌های طنز بازی می‌کرد و کارش هم خوب بود) بیرون آمدند و از کنارمان گذشتند. من نوجوان، از عطاران، زمان اجرایشان را پرسیدم، گفت پس فردا. پاسخ را می‌دانستم و بلیتش در جیب پدرم بود ولی دوست داشتم با عطاران حرف بزنم تا دست‌کم موقعیتی ایجاد کرده باشم که به تعریف‌کردنش در مدرسه و اقزودن خالی‌بندی‌هایی به آن بیزرد! آن پرسش به توقف آقاخانی و لولایی هم رسید و به یک فوتبال کوتاه و دم‌دستی ولی خاطره‌انگیز بین بازیگران ساعت خوش و ما – چند نوجوان عاشق آنها– منجر شد. یخ آب شده بود و مردم جرئت سؤال‌پرسیدن یافته بودند. بیشترین پرسش‌ها به مه‌ران مدیری مربوط بود؛ او الان کجاست؟ برخلاف پرسش من نوجوان از رضا عطاران، سؤال مردم درباره مه‌ران مدیری در لحظه شکل نگرفته بود. شایعات عجیب‌وغریبی درباره مه‌ران مدیری به گوش می‌رسید؛ مهاجرت، دستگیری و زندانی‌شدن بابت مسائل مالی و اخلاقی و... نسل ما –پس‌الاقبالی‌ها– ناخواسته داشت ستاره‌داشتن و شایعه‌ساختن برای ستاره‌های دوران خودش را تمرین می‌کرد.

بازگشت

مه‌ران مدیری در سال ۷۷ رخ نشان داد؛ با برنامه‌ای به همین نام؛ ۷۷. ابتدا آیتم‌های طنز را کارگردانی می‌کرد و مدتی بعد اجرای برنامه را خودش برعهده گرفت. طولی نکشید که با شیوه اجرایش کل معیارهای مجریان «مقبول» تلویزیون را بر باد داد و در مدتی کوتاه صداسیمرا بر شد من جریانی که می‌کشیدند مثل او باشند. عصارهای قورق‌زاده را از بدن خارج کنند، غامیانه سخن بگویند و هرازگاهی به عوامل پشت دوربین و تهیه‌کننده هم متلکی بیندازند. ولی مه‌ران مدیری اصل بود. خود جنس بود و تقلیدناپذیر. او بازگشته بود. آیتم‌های مریم و رامینش گرفت، «میشه بسه» اش سر زبان‌ها افتاد و مه‌ران مدیری در نقش مردی دردکشیده از مشکلات مالی و وابسته به معیارهای اخلاقی طبقه متوسط طنازی می‌کرد و دل می‌برد. این مدل در مه‌ران مدیری ماند. با نقش کارمندی که در پاورچین و نقطه‌چین برعهده گرفت، آن را تکمیل کرد و در مرد هزارچهره به اوج رساندش. مدیری محبوبیتش را از تعلق به طبقه آسیب‌پذیر جامعه می‌گرفت. دقیقاً چیزی شبیه کاراکتر «آسیب‌پذیر» طنزهای قل‌آقا. به همین دلیل در طنزهای آیتمی‌اش وقتی با توقع‌های مرسوم و غیرمنطقی همسر یا افاده‌های یک بورژوا روبه‌رو می‌شد و تالان به دور می‌زل می‌زد، درکش می‌کردیم. مشکلات او همان‌هایی بود که موضوع طنزهای «صبح جمعه با شما» هم می‌شد ولی مدیری



مدیری کنارش بود، تمام‌قد از عملکرد مدیری دفاع و بینندگان این سریال را به صبر و آرامش دعوت کرد. باین‌حال فصل دوم سریال «در حاشیه» در سکوت خبری ساخته شد، اما دیگر از موفقیت فصل جدید میان مخاطبان سریال خبری نبود؛ آن‌قدر کم‌فروغ که شاید کسی انتظارش را نداشت. مه‌ران مدیری این شب‌ها با «دور همی» در تلویزیون دیده می‌شود؛ برنامه‌ای که حاشیه‌هایش کمتر از کارهای سابق مدیری نیست؛ از تقلیدی‌بودن برنامه‌اش صحبت می‌شود

مردی که می‌خنداند

مهدی کریم‌پور

چند سال پیش در ستون هفتگی‌ام در روزنامه «اعتماد» نوشته بودم و تعریضی به سریال پر مخاطب تلویزیون‌اش به حمایت از توکا نیستانی و اعتراضی به نمایش و تلقی‌اش از روشنفکران که آن موقع به مقام خوش نیامده بود.

وقتی تلفنی حرف زدیم، بسیار فروتنانه از آشنایی و لطفش به فیلم‌هایم گفت و قرار گذاشتیم و وقتی آمد، در همان نشست اول، با همه محدودیت‌های مالی تهیه‌کننده کنار آمد. او یکی از باهوش‌ترین بازیگرانی است که تا‌به‌حال دیده‌ام. خیلی زود تلقی من از نقش را فهمید و خیلی زود قراش را با نقش گذاشت. در همه دورخوانی‌ها منظم و متعهد، حاضر بود و خیلی خوب گوش می‌کرد تا اظهارنظر. به وقت فیلم‌برداری در شمال کشور به دلیل ابر و آفتاب، فیلم‌برداری سکانس‌های دکتر صبحی بیش از زمان فیلم‌برداری طول کشید و مه‌ران که از وسط فیلم‌برداری قهوه تلخ آمده بود و می‌بایست به تهران برمی‌گشت، دائم به من اطمینان می‌داد در تمام عمرش این‌قدر راحت نبوده و آرامش نداشته... نه استرسی به ما وارد کرد و نه زمان قرارداد را به رخ ما کشید.

بیشتر شب‌ها در پیاده‌روی‌های طولانی با سر بازی بیلیارد، از علقه‌های

۵۰ سالگی

پوریا ذوالفقاری

برگ‌های برنده بیشتری داشت. او به شکلی غریب می‌توانست قانتری و فاصله‌گذاری را هم وارد کارش کنی بی‌آنکه باورپذیری آن لطمه ببیند.

نبوغ

مه‌ران مدیری از کسانی است که خیلی ساده می‌شود درباره‌شان صفت «نایفه» را به کار برد. دوسال پیش وقتی تصاویر برگزاری مراسم تولد او سر صحنه یکی از سریال‌های آیتمی‌اش برای شبکه خانگی منتشر شد، دو شمع۴۰ عدد ۲۷ را ساخته بودند مایه تحیر من شدند. مه‌ران مدیری تازه سال آینده ۵۰ ساله می‌شود. یعنی ساعت خوش را در ۲۷ سالگی کارگردانی کرد و شب‌های برره را زمانی ساخت که هنوز ۴۰ سالش نشده بود. همه این‌ها یعنی با مردی آمیخته با طنز؛ از نخستین روز خلقتش روبه‌رویم؛ طنزی که خاص خود اوست و در عادی‌ترین برخورد‌های روزمره‌اش نیز خودنمایی می‌کند. او برای طنازی و طنزساز روز نمی‌زند.

توان

بارها از تقابل خلاقیت و امکانات حرف زده و حرف شنیده‌ام. اینکه گزاره «محدودیت خلاقیت می‌آورد» چقدر درست است، بحث دیگری است ولی در کارنامه مه‌ران مدیری تا پیش از سریال «نقطه‌چین» خلاقیت واقعاً جای محدودیت را پر می‌کرد. از نقطه‌چین بود که مدیری توانست با جذب اسپانسر راه‌های جدید برای تأمین بودجه و کسب درآمد بیابد. اگر «جایزه بزرگ» را به‌عنوان سریالی زیادی معمولی در قواره انتظارهایی که از مدیری می‌رفت کنار بگذاریم، از نقطه‌چین تا پیش از قسمت‌های پایانی مرد هزار چهره، او با ایجاد و حفظ توازنی معقول بین امکانات و خلاقیت، یکی از دوره‌های اوج نه‌فقط کارنامه‌اش که تاریخ طنز تلویزیونی ما را رقم زد. تقریباً از قسمتی که شخصیت مسعود شصت‌جی وارد عمارت باشکوه پدرخوانده (علیرضا خمه) شد، می‌توان از آغاز دوران متفاوتی در کارنامه مدیری سخن گفت. آن خانه و خدم و خشمش انگار به دل مه‌ران مدیری که حالا داشت تغییر موقعیت اقتصادی را



و اینکه نتوانسته مخاطبانش را راضی نگاه دارد. حتی در این مدت تذکری از جانب مدیران رسانه ملی بابت در نظر نگرفتن شأن میهمانانش باعث شد تا ترتیب اثری در نوع اجرایش داده شود. با نگاهی به کارنامه مدیری تا حدی می‌توان به افت کیفی آثارش در سال‌های اخیر پی برد؛ اتفاقی که به گمان برخی، حاصل شرایط بوده و البته دلایل دیگری که برخی از آنها در مطالب این صفحه بررسی شده است.

مشت‌رک‌مان حرف می‌زدیم؛ از شعر و موسیقی کلاسیک. قربات‌های دوری به هم داشتیم، اما در دو عرصه متفاوت حرکت کرده بودیم. دوستان بسیار نزدیکی دارم که معتقدنم من هم باید یک روز یک فیلم طنز بسازم. مه‌ران بر عکس کارهایش، بسپار تنها، تلخ و جدی است... اما می‌تواند با صدای بلند و بی‌محایا بخندد. بعدها که به دلیل این نزدیکی مقطعی به هم، کارهایش را دنبال کردم، دریافتم در مضمون و بازی، طنزی میان و نظیر عزیز نسین و پرویز صیاد را دنبال می‌کند که گه‌گاه فرازنشپ‌هایی دارد، اما آن را منحصر‌به‌فرد و مال خود کرده... و از همه مهم‌تر آن است که مردم بسیار دوستش دارند و می‌پسندند و هر تقلید بدون خلاقیتی از او، رسوا و لوس، رخت چرکش آویز عمومی سری‌دوزی‌های تلویزیون است و فقط عیاربنک بازبرگار و برنامه‌سازان جلف و کم‌استعدادی که یکی پشت دیگری می‌آیند، اما بی‌اثر، بی‌هنر و بی‌فایده‌اند. مه‌ران دوست دارد فیلم جدی بسازد. دوست دارد خلوت تنهایی و تلخی نگاهش را عریان کند، اما روزگار برای او سرنوشتی دیگر رقم زده. مردم او را جور دیگری خواستند و پسندیدند و به صدر نشاندند. اکنون او آقای کم‌دی ایران است و خود این هم از طنازی‌های سرنوشت است... و یونانی‌ها معتقد بودند سرنوشت از زئوس هم بزرگ‌تر است!

در زندگی شخصی‌اش نیز تجربه می‌کرد، خوش نشست. از اینجا طنزپرداز نایفه و محبوب ما که به شکلی غریب هیچ‌کس اعتراضی به درآمد بالایش نداشت و آن را حشش می‌دانست، دو اشتباه استراتژیک مرتکب شد. نخست اجازه داد روحیه شکل‌گرفته در پی تغییر موقعیت اقتصادی‌اش به کارهایش راه یابد. مشکل «قهوه تلخ» و «ویلای من» و «در حاشیه» فیلم‌نامه نبود. دست‌کم فقط فیلم‌نامه نبود. مشکل این بود که مدیری می‌خواست جنسی از کم‌دی‌سازی را تجربه کند که رطبی به خاستگاش نداشت. آن قصر پر از بازیگر و سیاهی‌لشکر قهوه تلخ و عمارت باشکوه ویلای من و بیمارستان در حاشیه با آن همه امکانات، ناخواسته کفه ترازوی خلاقیت و امکانات را به‌نفع دومی سنگین می‌کرد. حالا مدیری می‌خواست با امکاناتش جلب توجه کند. اشتباه دوم که ریشه در اوّلی دارد، تغییر شمایل مدیری بود. شخصیتی که محبوبیتش را از آسیب‌پذیری و تعلقی به طبقه متوسط عمدتاً کارمند می‌گرفت، ناگهان احساس کرد اگر لباس فاخر بپوشد، دولبورگی حرف بزند و باکلاس بشود، به دل مردم می‌نشیند؛ اتفاقی که در عمل نیفتاد و محبوب‌نشدن جراح زیبایی «در حاشیه» با دستمال‌گردن و کت و شلوار گران‌قیمت، آخرین نمونه‌اش بود.

اعتراف

نگارنده یکی از عشاق مه‌ران مدیری است. هنوز هم هرازگاهی کارهای قدیمی او را در گوشه‌وکنار اینترنت می‌یابم و تماشای می‌کنم و هر‌بار از میزان نبوغ و خلاقیت نهفته در پس آنها شگفت‌زده می‌شوم. مدیری سال‌ آینده ۵۰ساله خواهد شد. یعنی هنوز راهی طولانی پیش‌رو دارد. یعنی هنوز می‌تواند مخاطبانش را سر کیف بیاورد. به‌عنوان یک طرفدار، واقعاً جز نوشتن این مطلب کاری نمی‌شد کرد. سخن این نیست که مدیری باید برگردد به آیتم‌های ازان و با دشواری کار کند. هنوز هم اگر او شمایل محبوبش را به یاد بیاورد، ببیندش که رامین ۷۷ و مسعود شصت‌جی مرد هزارچهره چه داشتند و مقایسه‌شان کند با نقش‌هایی که در دهه ۹۰ بازی کرد و پشت‌با بزند به آمارهای غریب تلویزیون که از مخاطبان ۸۰ و ۹۰ درصدی اکثر برنامه‌هایش می‌گوید و «در حاشیه» را هم سریالی موفق می‌داند، می‌تواند در مسیر درستی قرار بگیرد. درخواست دوم این طرفدار از مدیری، بازگشت به رسانه‌هاست. او سال‌هاست درباره کارهایش حاضر به توضیح نیست. سال‌هاست مقابل هیچ منتقد و سینمایی‌نویسی نشست‌ه و سال‌هاست حرف‌هایش را رو به دوربین و براساس ترجیح خودش می‌گوید. شاید طرح نکات این نوشته در یک مصاحبه، خیلی ساده می‌توانست مدیری را از انحراف ناخواسته‌اش بازدارد با اصلاً سؤال‌کننده با پاسخ مه‌ران مدیری قانع شود. این دوری‌گزینی از رسانه‌های دست‌کم تخصصی که همه‌شان هم طرفدار مدیری هستند و انتقادی اگر داشته باشند از سر دلسوزی و نگرانی و نه عصبیت مطرح می‌کنند، به شهادت سرنوشت هنرمندانی که راهی مشابه مدیری برگزیدند، عاقبت خوشی نخواهد داشت.

مه‌ران مدیری هنوز گوهر طنز این دیار است. شاید دیگر جز ۲۰ شخصیت تأثیرگذار کشور به انتخاب نیوزویک نباشد ولی هنوز سرشار است از طنز و ذوق. محض نمونه و برای اثبات طنازی تمام‌نشدنی او فقط قیافه بنده را تصور کنید وقتی پس از چاپ گزارشم از پشت صحنه سریال «شوخی کردم»، با این جمله او روبه‌رو شدم: «خیلی لطف کردی. ایشالا گزارش عروسیت رو خودم می‌نویسم!»

هنر

دوشنبه • ۳ خرداد ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۹ • ۹

روزنامه

طنز «مدیری»

کمال تبریزی

طنز مه‌ران مدیری منحصربه‌فرد است و نمونه مشابه دیگری ندارد و همین دلیل ویژه‌بودن اوست. آغاز زائر مدیری در زمانه‌ای بود که طنزی بی‌رقیب داشت و البته نو و دوست‌داشتنی که کنایه‌های اجتماعی آن در رشد انواع طنز نمایشی و رسیدن به لحن مدرن و درعین‌حال مردمی تأثیر بسپار داشت. نبوغ و نوآوری مه‌ران مدیری و همکارانش بخش مهمی از تاریخ طنز ایرانی را کامل می‌کند. اما اوج و افول سبک‌های مختلف کاملاً بستگی به شرایط اجتماعی و احوالات مردم دارد! استقبال و نبود تمایل امری نسبی و فرعی است که به ذات اثر هنری مربوط نمی‌شود! برای مه‌ران مدیری و همراهان دیروز و امروز و فردایش آرزوی موفقیت و اقبال دوباره می‌کنم.

پرواز ۵۷

مدیری و سؤال‌های بزرگ من

سعید آقاخانی

مه‌ران مدیری تنها فردی بوده که در تمام این سال‌ها توانسته تغییری اساسی در روند ساخت کم‌دی ایجاد کند. پیش از آن شاید چیزی به نام کم‌دی در تلویزیون ما وجود نداشت و به جرئت می‌توان گفت که مدیری به ساخت کم‌دی در سینما و تلویزیون نظم داد. با شناختی که نسبت به شخصیت و کار او دارم، می‌توانم بگویم در کارش یک نایفه است، مگر می‌شود ۲۰ سال کار طنز ساخت و مردم مشتاق دیدن کارهای بعدی‌ات باشند و همچنان فردی محبوب برای مردم باشی و از درصد این محبوبیت کاسته نشود؟ با وجود تمام این مشخصات بی‌دلیل نیست که او از نظر من یک نایفه‌ای است. طبعاً فردی که به مرور زمان رنگ‌وبوی کهنگی نمی‌گیرد، خدشتی در وجودش دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. بسیاری از افرادی که در حال‌حاضر در زمینه ساخت و تولید آثار کم‌دی فعالیت می‌کنند، حاصل کار و تجربه‌کردن در کنار مه‌ران مدیری هستند. من مثال بارز این اتفاق هستم که سال‌ها با او کار کردم و تأثیرات مثبت او در کارم قابل‌درک است. مه‌ران مدیری و کارش همیشه برایم قابل‌تحسین است. این اواخر گاهی نقدهایی به برخی از آثار او وارد است و به گمان برخی کیفیت کار مدیری افت کرده است! از شنیدن این جملات تعجب می‌کنم و این سؤال برایم بزرگ‌تر می‌شود که در تمام سال‌هایی که رشد کرد و قد کشید، چرا هیچ‌کس از او تقدیر و کارش را ستایش نکرد؟ متأسفم که این روحیه در جامعه ما و دوستان رسانه‌ای جاری و ساری است که معمولاً نقاط قوت کاری را نمی‌بینیم و دست روی نقاط ضعف می‌گذاریم.

این اتفاق گاهی شامل حال من هم می‌شود؛ در میان کارهای قابل‌دفاعی که انجام داده‌ام، به محض ساخت اثری که کمی با آثار قبلی متفاوت است، موجی از انتقادات و فضاوت‌هایی که بسیاری از آنها منصفانه نیست به ستم پرتاب شده است و حتی دوستان قدیمی و کسانی که سال‌ها از آنها پی خبریم هم با من تماس می‌گیرند و من را نقد می‌کنند! اما کمتر بابت انجام کارهای خوب و باکیفیت تشویق شده‌ام. اگر به‌زعم برخی مه‌ران مدیری در آثار اخیرش کمی افت کرده است، دلایل متعددی دارد که اساساً ربط کمی به شخص مه‌ران مدیری دارد. برآورد‌های مالی تلویزیون، مدیرانی که برای ساخت برنامه‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند و... از جمله همین دلایل هستند. شرایط برنامه‌سازی و سریان‌سازی در تلویزیون تغییر کرده است و مثل گذشته نیست. در گذشته مدیران تلویزیون به‌شدت مراقب کارها بودند و احاطه خوبی به مسائل مختلف داشتند. راهنمایی و تعامل آنها از زمان نوشتن فیلم‌نامه تا ساخت برای برنامه‌سازان دلگرمی بود و یقین داشتیم که کارهای ما با حمایت و نگاه کارشناسی ساخته می‌شود. اما در حال‌حاضر این‌طور نیست و خواسته تلویزیون نسبت به گذشته تغییر کرده است. انتقاد من به مدیریت حال‌حاضر تلویزیون نیست، کم‌اینکه ممکن است به برخی موضوعات اشراف داشت نداشته باشد و می‌خواهم بگویم باید دید که مه‌ران مدیری تا چه حد توانسته در شرایط حال‌حاضر تأثیرش را بگذارد؟ اساساً کار هنری، شخصی و فردی نیست و حاصل یک تعامل است؛ اینکه مثلاً با تهیه‌کننده‌ای کار کنی که آن‌قدر به کار اشراف داشته باشد که در کیفیت مطلوب اثر تأثیر بگذارد و در این مورد خاص یعنی افست کیفی آثار مدیری طی سال‌های اخیر، قطعاً نعمت‌های مه‌ران مدیری را مقصر دانست، بی‌تردید از ۲۰ تا اثر او، ۱۵ اثرش درخشان بوده است و بی‌انصافی است اگر بدون نگاه به گذشته فردی، تمام کارنامه او را زیر سؤال ببریم. مه‌ران مدیری سال‌هاست که مردم سرزمینش را سرگرم کرده است و همیشه در کارهایش خلاقیت داشته. او در حال‌حاضر شاید برای برخی آثارش نقد شود، اما بدون شک در سال‌های آینده از او به‌عنوان یک نایفه یاد خواهد شد. شما را به سال‌های پس از جنگ اراجاع می‌دهم؛ زمانی که فضا آن‌قدر تلخ بود که مردم به‌هیچ‌وجه به طنز فکر نمی‌کردند. اما مه‌ران مدیری در آن سال‌ها یک مجاهد محسوب می‌شد و توانست فضای جامعه‌اش را تغییر بدهد. چرا مه‌ران مدیری را از این زاویه نگاه نمی‌کنیم؟

مه‌ران مدیری، مه‌ران مدیری است. سال‌ها هم بگذرد چیزی این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که او یک هنرمند بزرگ است. شرایط برای فعالیت در تلویزیون همان‌طور که مه‌ران مدیری می‌خواهد فراهم نیست. اگر زمانی تصمیم گرفت که تلویزیون را ترک کند، به این دلیل بود که شرایط کار برایش در تلویزیون فراهم نبود و فکر کرد در مدیوم دیگری کارش را ادامه بدهد. قطعاً اگر باز مدیرانی مثل آقایان پورمحمدی و تخشید که مدیری در کنارشان آثار درخشانی تولید کرد، در زمانی که مدیری از تلویزیون فاصله گرفت، همچنان حضور داشتند شاید او تلویزیون را ترک نمی‌کرد. پس نمی‌توان شرایط را برای فعالیت یک هنرمند بی‌تأثیر دانست. باید کمی منصف بود. باید یک فرد را با تمام شرایطی که برای فعالیتش فراهم است سنجید. به‌زعم من مدیری حتی در شرایط سخت هم تأثیر خودش را گذاشته است. کمی به کارنامه پربار او دقت کنیم.